مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۴۱،
دوره اول،
سال ششم،
تابستان ۱۴۰۰،
صص ۱-۱۵

راهبرد حقوقی سازش و جایگاه آن در ایران

عبدالرضا جودکی[۱]، فائزه رحمانی[۲]، میترا هاشمی[۳*]

چکیده

از بهترین روش‌های حل اختلاف و پایان دادن به دعوا، توسل به مصالحه و سازش می‌باشد که چنانچه بصورت آزادانه و با رضایت کامل طرفین باشد اختلاف و کدورت‌ها را نیز ریشه کن خواهد کرد. اشخاص در مورد اموری که حق دخل و تصرف دارند می‌توانند سازش نمایند. برای مصالحه و سازش می‌توان به شورای حل اختلاف، دادگاه و دفترخانه اسناد رسمی مراجعه نمود. همچنین در مواردی که رسیدگی به دعوا در صلاحیت داور می‌باشد طرفین می‌توانند اختیار سازش را به او محوّل کرده یا خودشان راساً در نزد او سازش نمایند. چنانچه سازش در دادگاه یا شورای حل اختلاف ایجاد گردد، این مراجع اقدام به صدور گزارش اصلاحی می‌نمایند که این سند ماهیتی قراردادی داشته، قطعی و غیر قابل تجدید نظر است و مانند حکم دادگاه به موقع اجرا گذاشته می‌شود؛ امّا می‌توان در صورت جمع بودن شرایط و با رعایت ماده ۷۶۱ قانون مدنی، ابطال یا فسخ آن را از دادگاه خواست .

واژگان کلیدی: دعوا ، سازش، حقوق ایران، گزارش اصلاحی .

[۱] کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

[۲] کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

[۳] کارشناسی ارشد مدیریت استراتژیک (راهبردی) دانشگاه مهر البرز تهران (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

بروز اختلاف و ایجاد دعوا بین اشخاص از امور انکار ناپذیر زندگی اجتماعی است و نمی‌توان از تحقق آن در جامعه جلوگیری نمود. این دعاوی ممکن است با طرح در دادگاه و رسیدگی قضایی ، توسط قاضی منجر به صدور رأی گردند ، رأی صادره از سوی دادگاه مسلماً به سود یک طرف (محکوم له) و به ضرر دیگری (محکوم علیه) می‌باشد. در این حالت دعوا در ظاهر پایان یافته ولی در واقع اختلاف و خصومت بین طرفین، همچنان پایدار است ؛ به همین علّت است که غالباً در مرحله‌ی اجرای رأی نیز با مشکلاتی روبرو می‌شوند. چه خوب است که اختلافات و دعاوی ایجاد شده، با توافق طرفین پایان یابد و آن‌ها با رضایت قلبی نسبت به دعوا مصالحه و سازش نمایند که دیگر اثری از کدورت‌ها و اختلافات باقی نماند .

بی دلیل نیست که ضرب المثلی فرانسوی می‌گوید :« یک سازش بد، بهتر است از یک دادرسی خوب ». اهمیّت ایجاد مصالحه و سازش در تعلیمات دینی ما نیز دارای ریشه و سابقه ی قوی است، به گونه ای که آیات متعددی از قرآن کریم و روایات بسیاری به این موضوع پرداخته است. همچنین قوانین کشور ما از زمان‌های گذشته تا کنون به بحث سازش توجّه ویژه‌ای داشته‌اند و موادی را به آن اختصاص داده‌اند . توجّه به این موضوع در نظام حقوقی ما به حدی رسید که منجر به تشکیل نهادی به نام شورای حل اختلاف، برای ایجاد مصالحه و سازش بین مردم گردید، امّا این نهاد علی رغم فعالیت‌های ارزنده در ایجاد سازش بین مردم، متأسفانه در حال فاصله گرفتن از رسالت اصلی خود می‌باشد و بیشتر به سمت و سوی رسیدگی‌های قضایی و صدور رأی متمایل گردیده است .

یکی از مشکلات پیش رو برای ایجاد سازش این است که، سازش در فرهنگ عامّه ما چندان جایگاه خوبی ندارد و اشخاص معمولاً تمایلی به آن نشان نمی‌دهند. حتّی اغلب افراد آشنا با علم حقوق نیز با ایجاد مصالحه و سازش در دعاوی چندان مأنوس نیستند که به نظر می‌رسد بخشی از این مشکلات ریشه در دانشکده‌های حقوق دارد ، چون در کلاس‌های درس آیین دادرسی مدنی به محض شروع به تدریس، سخن از صلاحیت دادگاه ، نحوه ی اقامه‌ی دعوا و ... به میان می‌آید و بحث از مصالحه و سازش یا هرگز مطرح نمی‌گردد و یا به صورتی گذرا و جزئی اشاره‌ای به آن می‌شود. در اغلب موارد می‌توان همان نتیجه‌ای را که از دادرسی و رسیدگی قضایی حاصل می‌شود، از طریق سازش نیز به آن دست یافت، امّا با این تفاوت که هزینه‌های کمتر و رضایتمندی بیشتری را به همراه دارد، پس بهتر است که ابتدا توجّه ویژه‌ای به تلاش در جهت مصالحه و سازش گردد و بعد از آن به مباحث مربوط به رسیدگی قضایی پرداخته شود؛ چون پس از اقامه ی دعوا و پرداخت هزینه‌های دادرسی، معمولاً تلاش برای ایجاد سازش با سختی و مشکلات بیشتری روبرو خواهد شد .

در عرصه ی جهانی نیز سازش از چنان اهمیّتی برخوردار است که ، نظام حقوقی موسوم به نظام حقوقی کشورهای خاور دور (که شامل کشورهایی همچون: چین، ژاپن، مغولستان، کره و ... می‌شود.) را ایجاد کرده است. تربیت اجتماعی و خلق و خوی ملّی این کشورها اقتضا می‌کند که در وهله‌ی نخست ترجیح می‌دهند با توسل به میانجی‌گری و سازش، اختلافات فی مابین را حل کنند و تنها در صورت عدم حصول نتیجه از این راه ، به ناچار به دادگاه مراجعه و طبق قانون فصل خصومت نمایند.(واحدی، ۱۳۸۹ ،ص۷۵). اهمیّت سازش در تعلیمات دینی ما و پراکندگی موجود در قواعد و مقررات مربوط به سازش، ما را بر آن داشت تا با تحقیق و جمع آوری سوابق فقهی و قانونی آن در منبعی مستقل تحت عنوان «سازش وجایگاه آن در حقوق ایران» با دقت بیشتری نسبت به مسائل مربوط به آن بپردازیم و در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حد توان به پرسش‌هایی که در خصوص سازش قابل طرح است پاسخ‌گو باشیم. با توجه به این که بحث سازش نشأت گرفته از توافق و رضایت طرفین اختلاف است، در نتیجه آن‌ها صرفاً در مسائلی که حق دخل و تصرف دارند، می‌توانند سازش کنند. به همین دلیل است که غالب مطالب این نوشتار نیز مربوط به امور حقوقی می‌باشد که اشخاص در آن آزادی عمل بیشتری دارند. با توجه به مطالب ذکر شده تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات ذیل می‌باشد :

سوالات تحقیق به شرح زیر می‌باشد

۱- آیا سازش در هر مقطعی از دادرسی امکان پذیر است؟

۲- در صورت تحقق سازش در مرحله تجدیدنظر تکلیف رأی بدوی چیست؟

۳- آیا سازش در مرحله اجرای حکم امکان دارد؟

٤- سازش در سایر قوانین به چه نحو است؟

روش تحقیق:

مقاله حاضر به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ ماهیت توصیفی تحلیلی و به لحاظ روش کتابخانه‌ای است. با مطالعه و بررسی کتب و مقالات در ارتباط با موضوع گردآوری اطلاعات با استفاده از ابزار فیش برداری انجام شد.

تبیین مفاهیم

۱- سازش

در قوانین ایران تعریفی از سازش ارائه نشده است ، ولی اساتید حقوق آن را اینگونه تعریف کرده‌اند: «تعیین تکلیف اختلاف مدنی از طریق توافق بین طرفین ، سازش نامیده می‌شود». (جعفری لنگرودی،۱۳۹۱، ج۳ ،ص۲۱۲۰).

سازش به معنی موافقت و هماهنگی بین دو طرف دعواست که به صورت داوطلبانه در داخل یا خارج از دادگاه و به منظور پایان دادن به شکایت و دعوای موجود بین طرفین صورت می پذیرد (مهاجری، ۱۳۹۱، ج۲، ص۲۳۷) .

بنابراین، به توافق و قراردادی که طرفین اختلاف برای پایان دادن به دعاوی و اختلافات خود منعقد نموده و ملزم به اجرای مفاد آن می‌گردند، سازش می‌گویند .

۱-۱ -ماهیت سازش

وقتی طرفین اختلاف از مواضع قبلی خود عقب کشیده و سعی در مصالحه و پایان دادن اختلافات می‌کنند و در این راه، زمانی که قبل و یا بعداز اقامه دعوا، یکی از طرفین خواهان سازش با طرف مقابل خود می‌شود؛ در واقع گام‌های مقدماتی جهت انعقاد یک عقد برداشته شده است. بعد از انجام مذاکرات اصلاحی، بحث و ارائه نظرات و پیشنهادات و در نهایت در صورت توافق طرفین و تحقق سازش بین آن‌ها در حقیقت یک عقد منعقد می‌گردد؛ عنوانی که می‌توان برای این عمل حقوقی برگزید، عقد صلح می‌باشد. تعریف صلح در کتابهای مشهور فقه نیز نشان دهنده آن است که مفهوم صلح از هدف اصلی آن، یعنی توافق، تسالم و سازش سرچشمه می‌گیرد. می‌توان گفت از میان اقسام صلحی که در قانون مدنی به آن اشاره شده است، صلح در مقام رفع تنازع با عنوان سازش در قانون آیین دادرسی مدنی مطابقت دارد (برای دیدن نظر موافق ر ک: کاتوزیان، ۱۳٦۸، ص۳۰۳ ؛شمس، ۱۳۹۱، ج۳ ، ص٤۹۷) .

این امر از الفاظ به کار برده شده در قانون آیین دادرسی مدنی قابل استنباط است :

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ماده ۱۷۸ ق.آ.د.م مقرر می‌دارد که :« در هر مرحله از دادرسی مدنی طرفین می‌توانند دعوای خود را به طریق سازش خاتمه دهند .»

ماده ۱۸٦ ق.آ.د.م بیان نموده :« هرکس می‌تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین به طور کتبی درخواست نماید که طرف او را برای سازش دعوت کند .»

همانگونه که در مواد فوق دیدیم، قانونگذار از الفاظ «دعوا» و «ادعا» استفاده نموده است، که نشان دهنده‌ی وجود اختلاف و تنازع بین طرفین می باشد و توافق آن‌ها در پایان دادن این اختلافات را سازش نامیده است. قانون اصول محاکمات حقوقی (مصوب ۱۳۲۹ هجری قمری) در ماده ۳۸ مقرر می داشت که :« در صورت اصلاح، صلح‌نامه کتبی نوشته شده به امضای طرفین یا وکلای آن‌ها می‌رسد و کاری که به مصالحه تمام شده از سرگرفتن آن جایز نیست.« این قانون به صراحت عنوان صلح را به توافق طرفین نهاده بود؛ امّا در خصوص علّت تغییر واژه «صلح» به «سازش » در قوانین بعدی، گفته شده که :« فرهنگستان ایران که در خرداد ماه ۱۳۱٤ هجری شمسی در تهران تشکیل شد، واژه سازش را در برابر اصطلاح صلح قرار داد» (شمس، ۱۳۹۱، ج۳، ص٤۹۷) .

۲- پیشینه قانونی سازش

نهاد سازش علاوه بر سابقه فقهی بسیار قوی ، در قوانین نیز دارای جایگاه ویژه ای بوده است به گونه ای که هم در قوانین سابق کشورمان و هم در قوانینی که در حال حاضر در جریان اجرا قرار دارند مورد توجه مقننن قرار گرفته است.

۳- صلح و سازش در مراحل مختلف محاکمه حقوقی

اهمیّت و جایگاه ویژه صلح و سازش در قانون اصول محاکمات حقوقی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته بود به گونه ای که مقنن در فصل اول از باب هفتم این قانون، طی مواد ۷۵۰ الی ۷۵٦ به طور اختصاصی به موضوع « در صلح متداعیین » پرداخته بود.

این قانون امکان صلح دعوا در تمام مراحل و ادوار محاکمه حقوقی را برای طرفین ممکن ساخته بود. به عبارت دیگر مقررات این باب مختص به محکمه ی خاصی نبود و در تمام محاکم اعم از بدوی و استینافی قابل اجرا بود. حتی اگر دعوا در محکمه تمیز (منظور مرحله ی فرجامی است)در حال رسیدگی بود، طرفین می توانستند اختلافات خود را از طریق صلح و سازش خاتمه دهند ولی این امر باعث توقف رسیدگی محکمه تمیز نمی شد؛ بلکه آن محکمه به رسیدگی خود ادامه داده امّا حکمی که صادر می‌شد نسبت به طرفین اثری نداشت و صرفاً برای محافظت قانون بود (ماده ۷۵۰ ق.ا.م.ح و تبصره آن). درصورت تعدد طرفین اختلاف هر کدام از آن‌ها حق داشتند بصورت جداگانه با طرف خود صلح نمایند (ماده ۷۵۱ ق.ا.م.ح).

برای تحقق صلح و سازش بین طرفین دعوا طرق مختلفی پیش بینی شده بود ، یکی از روش‌ها این بود که طرفین با تنظیم عرض حالی که به امضای هر دوی آن‌ها رسیده از محکمه رسیدگی کننده درخواست اصلاح نمایند . در صورتی که صلح خارج از محکمه محقق شده باشد آن را در اداره ثبت اسناد یا محکمه صلح به تصدیق برسانند و یا اینکه با حضور در محکمه رسیدگی کننده نسبت به صحّت صلح نامه عادّی اقرار نمایند (مواد ۷۵۲ و ۷۵۳ ق.ا.م.ح) .

در موردی که صلح می‌بایست در محکمه رسیدگی کننده انجام شود، ابتدا سوالات لازم از طرفین پرسیده شده و در صورت رضایت طرفین نسبت به صلح ، با توجه به توافق‌های انجام شده صورت جلسه‌ای تنظیم و به امضای طرفین

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

و اعضای محکمه می رسید و بعد، عقد صلح جاری می‌گردید .(ماده ۷۵٤ ق.ا.م.ح) همچنین در صورت عدم تحقق صلح بین طرفین اختلاف، گذشت هایی که در هنگام تراضی به صلح شده بود لازم الرعایه نبود (ماده ۷۵۵ ق.ا.م.ح). در عین حال در پایان مقرر شده بود که در صورت تحقق صلح بین طرفین، دعوا به کلی قطع و تمام شده محسوب و طرفین، ورّاث و قائم مقام آنان حق از سرگرفتن امور را نداشتند (ماده ۷۵٦ ق.ا.م.ح). که این موضوع نشان دهنده اثر مختوم کننده صلح و سازش نسبت به اختلافات بود.

٤- سازش در تمامی دادگاه‌ها

باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۱۸) به شرح قواعد مربوط به سازش در کلیه دادگاه‌ها پرداخته بود. مطابق ماده ٦۲۳ آن قانون که مقرر می‌داشت :« در هر مرحله از مراحل و هر دور از ادوار دادرسی مدنی طرفین دعوی می‌توانند منازعه خود را به طریق سازش خاتمه دهند ».

طرفین دعوا اعم از اینکه دعوا در مرحله‌ی بدوی یا تجدید نظر باشد در تمام مدت دادرسی حق داشتند از دادگاه رسیدگی کننده درخواست سازش کنند، حتی اگر دعوا در مرحله فرجامی در دیوان عالی کشور در حال رسیدگی باشد نیز طرفین می‌توانستند دعوا را به صلح خاتمه دهند (ماده ٦۲٤ ق.آ.د.م قدیم) .

امّا با توجه به اینکه دیوان عالی کشور وارد رسیدگی ماهوی نمی شود و صرفاً مرجع نقض و ابرام است، مقنن سه دادگاه را برای رسیدگی به درخواست سازش مشخص کرده بود :« دادگاهی که از حکم آن رسیدگی فرجامی خواسته شده، دادگاهی که در صورت نقض رأی، رسیدگی به آن دادگاه ارجاع گردیده و دادگاه صالح دیگر». بدیهی است که منظور از دادگاه صالح دیگر، همان دادگاه بخش بود که برای رسیدگی به سازش بین طرفین اختلاف صلاحیت عام و نامحدود داشت .

در صدر ماده ٦۲٤ این قانون مقرر داشته بود که :« سازش اصحاب دعوی در مرحله رسیدگی فرجامی باعث موقوف شدن رسیدگی فرجامی نخواهد شد ... » بنابراین، دعوا در مرحله فرجامی دو جریان جداگانه پیدا می‌کرد؛ یکی جریان رسیدگی فرجامی و دیگری تلاش طرفین جهت تحقق سازش .

لازم به ذکر است که حکمی که بعد از وقوع صلح، از دیوان عالی کشور صادر می‌شد اثری بر اصحاب دعوا نداشت و فقط برای محافظت قانون بود (قسمت اخیر ماده ٦۲٤ ق.آ.د.م قدیم) .در صورت متعدد بودن طرفین اختلاف هر یک از آن‌ها حق داشتند بطور جداگانه با طرف خود سازش نمایند. (ماده ٦۲۵ ق.آ.د.م قدیم)

مطابق این قانون سازش به سه شکل ، سازش در دفتر اسناد رسمی ، سازش در دادگاه و سازش در خارج از دادگاه به صورت غیر رسمی امکان پذیر بود. (ماده٦۲٦ ق.آ.د.م قدیم)

در صورتی که طرفین در دفتر خانه اسناد رسمی اختلافات خود را با صلح خاتمه دهند، می‌بایست یک نسخه از صلح نامه را تقدیم دادگاه نمایند؛ دادگاه پس از وصول صلح نامه ختم دعوا را به موجب سازش در پرونده قید نموده و اجرای آن تابع مقررات مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا بود. (ماده ٦۲۷ ق.آ.د.م قدیم)

در فرضی که طرفین برای سازش به دادگاه مراجعه می‌کردند؛ دادگاه ابتدا توضیحات لازم را در مورد موضوع و شرایط سازش از آنان خواسته، سپس آن را در صورت مجلس نوشته و به امضای طرفین و دادرس دادگاه می‌رسید؛ این صلح نامه نسبت به طرفین ، ورّاث و قائم مقام آن‌ها نافذ و معتبر و مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می شد .

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

سومین روش سازش بدین نحو بود که طرفین در خارج از دادگاه و به صورت غیر رسمی سازش نموده و به اختلافات خود خاتمه می دادند. امّا این صلح نامه زمانی دارای اثر بود که طرفین در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند که در این صورت ، اقرار طرفین در صورت مجلس نوشته شده و به امضای آن‌ها و دادرس می‌رسید ؛ نحوه ی اجرای آن نیز مانند سازش در دادگاه بود .

مطابق قسمت اخیر ماده ٦٣٠ این قانون طرفین در خصوص دعوای مورد سازش با محدودیتی روبرو نبودند و می‌توانستند نسبت به دعوای مطروحه یا دعاوی و امور دیگر نیز سازش نمایند.

معمولاً در هنگام سازش، طرفین دعوا هر یک به نحوی در مقابل طرف دیگر تعهدات و گذشت هایی را می نمود، این تعهدات و گذشت ها صرفاً در صورت وقوع سازش لازم الاجرا بود ؛در آخرین ماده این باب (هفتم) یعنی ماده ٦٣١ اثر عدم وقوع سازش این چنین بیان شده بود :« هر گاه سازش نشود گذشت‌هایی که طرفین هنگام تراضی به سازش کرده اند، لازم الرعایه نیست».

در پایان خالی از لطف نیست که اشاره کنیم در قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب۱۳۱۸) برخلاف قانون اصول محاکمات حقوقی برای اوّلین بار امکان سازش در نهاد داوری نیز پیش بینی شده بود ؛ ماده ٦٥٩ این قانون مقرر می‌داشت :« در صورتی که داورها اختیار صلح داشته باشند می‌توانند دعوا را به صلح خاتمه دهند در این صورت صلح نامه ای که به امضای داورها رسیده باشد قابل اجرا خواهد بود.»

۱ (سازش در مرحله بدوی

وقتی دعوا در دادگاه نخستین طرح می گردد تا پیش از آنکه از سوی دادگاه نسبت به آن رأی قاطع صادر گردد، طرفین می‌توانند دعوا را با سازش خاتمه دهند. در صورت توافق طرفین، دادگاه موضوع سازش و شرایط آن را به ترتیبی که واقع شده در صورت جلسه منعکس نموده و این سازش نامه به امضای دادرس و طرفین می‌رسد. (ماده ۱۸۲ ق.آ.د.م) سپس دادگاه ختم رسیدگی را اعلام کرده و اقدام به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید. (ماده ١٨٤ ق.آ.د.م) .

برخی معتقدند که پس از امضای صورت جلسه سازش، دادگاه رسیدگی را ختم و ضمن صدور قرار سقوط دعوا ، گزارش اصلاحی مزبور بین اصحاب دعوا به اجرا گذاشته می‌شود. (کریمی، بی تا، ص ١١٤) امّا به نظر می‌رسد که صدور قرار سقوط دعوا امری ضروری نیست و فاقد وجاهت قانونی است.

چراکه، از یک طرف سازش خود از اسباب زوال دادرسی و دعوا را خاتمه می‌دهد و در مواد مربوط به سازش نیز تصریحی در خصوص صدور قرار سقوط دعوا وجود ندارد.

و از طرف دیگر مطابق بند ج ماده ۳۳۲ ق.آ.د.م قرار سقوط دعوا از جمله قرارهای قابل تجدیدنظر است (البته در صورت قابل تجدید نظر بودن اصل دعوا) که با قطعی و غیر قابل تجدید نظر بودن گزارش اصلاحی منافات دارد.

ضمناً بخشی از نظریه مشورتی شماره ٧/١٤٤٦ مورخ ١٣٨٣/٤/٢٧ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مؤید این نظر است که مقرر داشته:

... » پس از اعلام سازش طرفین، دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می نماید و صدور قرار سقوط دعوی بر خلاف موازین قانونی است. « ...

۲ (سازش در مرحله تجدید نظر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

پس از رسیدگی در مرحله نخستین و صدور رأی ممکن است هریک از طرفین یا هر دو نسبت به رأی صادره معترض باشند. آن‌ها می توانند ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ نسبت به این رأی تجدیدنظر خواهی کنند. (البته در صورت قابل تجدیدنظر بودن براساس معیارهای موجود در مواد ۳۳۱ و ۳۳۲ ق.آ.د.م)

با این اعتراض دعوا وارد مرحله تجدید نظر شده و اقدامات برای رسیدگی مجدد دعوا انجام می‌شود. ذکر این نکته نیز ضروری است که ورود دعوا به مرحله تجدیدنظر اصولاً مستلزم گذراندن مرحله بدوی است و نمی‌توان مستقیماً دعوا را در مرحله تجدید نظر طرح نمود .

با ورود دعوا به مرحله تجدیدنظر نیز طرفین می‌توانند دعوا را با سازش خاتمه دهند؛ چرا که ماده ۱۷۸ ق.آ.د.م سازش را در «هر مرحله از دادرسی مدنی » مجاز دانسته است.

امّا اولین سؤالی که در این قسمت قابل طرح می‌باشد این است که آیا در مرحله تجدیدنظر نسبت به هر رأیی که در مرحله بدوی صادر شده باشد می‌توان سازش نمود؟ چنانچه در مرحله بدوی قرار رد دعوا ، قرار سقوط دعوا ، حکم به محکومیت خواهان و ... صادر شده باشد می‌توان نسبت به آن در مرحله تجدیدنظر سازش نمود؟ یا مثلاً، اگر دعوا در مرحله بدوی به علّت ذینفع نبودن خواهان یا مشروع نبودن خواسته و یا به علّت فقدان اهلّیت خواهان منجر به صدور قرار رد دعوا گردد ، آیا می توان دعوا را در مرحله تجدیدنظر با سازش خاتمه داد ؟ به نظر می‌رسد در موارد این چنینی که منجر به مخدوش شدن یکی از شرایط سازش نیز می گردد، مصالحه و سازش در مرحله تجدیدنظر امکان پذیر نیست.

امّا چنانچه دعوا منجر به صدور حکم به بی حقّی خواهان شده باشد یا به دلیل مطابق قانون طرح نشدن دعوا منجر به قرار رد دعوا گردد و در سایر موارد شبیه آن امکان سازش در مرحله تجدید نظر وجود دارد .

دومین سؤالی که در خصوص سازش در مرحله تجدیدنظر طرح می شود این است که، در صورت سازش در این مرحله، تکلیف رأی بدوی که مورد تجدیدنظر خواهی قرار گرفته چه خواهد شد ؟

در پاسخ دو دیدگاه قابل طرح است :

دیدگاه اول : با سازش طرفین در دادگاه تجدیدنظر دادرسان ضمن صدور گزارش اصلاحی به بی اعتباری و نقض رأی بدوی نیز اشاره می نمایند.

دیدگاه دوم : دادگاه تجدیدنظر بدون توجه به رأی بدوی اقدام به صدور گزارش اصلاحی می نماید و اشاره ای به نقض رأی بدوی نمی کند و چون سازش انجام شده آخرین قصد و اراده ی طرفین را بیان می کند، رأی بدوی بطور ضمنی فاقد اعتبار می گردد .

به نظر می رسد دیدگاه اول قابل دفاع باشد ، چرا که دیدگاه دوم دارای این ایراد است که امکان دارد با صدور گزارش اصلاحی توسط دادگاه تجدیدنظر طرفین و دایره ی اجرا با دو تصمیم متضاد روبرو شوند که هر دو دارای اعتبار و قدرت اجرایی است.

همچنین نظریه مشورتی شماره ۳٤۲۷/۷ مورخ ۸٦/۲/۱۰ اداره حقوقی قوّه قضاییه تأیید کننده دیدگاه اوّل است و این چنین مقرر داشته :

» با توجه به مقررات ماده ۱۸۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی طرفین در هر مرحله از دادرسی می توانند دعوای خود را به سازش خاتمه دهند و لذا در صورتی که در مرحله تجدید نظر درخواست

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تنظیم صلح نامه را نمایند اعم از اینکه در مرحله بدوی حکم در ماهیت دعوا صادر شده یا در مورد آن قرار رد دعوا و امثال آن صادر گردیده باشد ، دادگاه تجدید نظر دعوای ، تجدید نظرخواهی را وفق ماده ۱۸٤ قانون مذکور مختومه به سازش تلقی ، بدواً حکم یا قرار صادره از مرحله بدوی را فسخ و متعاقباً گزارش اصلاحی به شرح توافق حاصله صادر می نماید.«

لازم به ذکر است که سایر مقررات مربوط به سازش که در مرحله بدوی اجرا می‌شود در مرحله تجدیدنظر نیز جاری است. امّا صورت جلسه سازش باید توسط دادرسان یا قضات تشکیل دهنده دادگاه و طرفین امضا شود. چرا که دادگاه تجدید نظر با حضور دو قاضی از سه قاضی رسمیت می‌یابد .

۳ (بررسی سازش در مرحله فرجام خواهی

بحثی که در این قسمت به آن خواهیم پرداخت، در خصوص امکان یا عدم امکان سازش در مرحله فرجام خواهی است. یعنی چنانچه نسبت به رأیی که صادر شده درخواست فرجام شود و پرونده جهت بررسی در دیوان عالی کشور مطرح باشد، آیا طرفین می‌توانند نسبت به این دعوا سازش نمایند؟

مطابق ماده ٦٢٤ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم (۱۳۱۸) سازش در مرحله فرجام خواهی امکان پذیر بود ولی قانون آیین دادرسی مدنی جدید (۱۳۷۹) تصریحی در این خصوص ندارد.

حقوقدانان نیز با توجه به اینکه دادرسی را شامل دو مرحله بدوی و تجدید نظر می دانند شمول ماده ۱۷۸ق.آ.د.م که سازش در هر مرحله از دادرسی مدنی را ممکن می داند بر این مورد نمی پذیرند . برخی معتقدند، چون در مرحله فرجام خواهی رسیدگی ماهوی انجام نمی شود سازش نیز در این مرحله امکان پذیر نیست (زراعت، ۱۳۸۵، ص ٥٩٤)

برخی دیگر امکان سازش در دیوان عالی کشور را غیرممکن می دانند چون معتقدند رسیدگی در این مرجع به صورت شکلی انجام می شود و طرفین نیز حضور ندارند که دعوا را به سازش خاتمه دهند، همچنین مواد ۱۸۲ و ۱۸٤ ق.آ.د.م تکلیف را برای « دادگاه » یعنی مرجع رسیدگی کننده ماهوی مشخص نموده است، نه دیوان عالی کشور که رسیدگی شکلی انجام می دهد. (مهاجری،۱۳۹۱، ج ۲ ،ص ۲۳۷؛ شمس، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ٤٩١). امّا به نظر می‌رسد که عدم امکان سازش در دیوان عالی کشور ، نافی سازش در مرحله فرجام خواهی نیست ، چون این امکان نیز وجود دارد که با نقض رأی در دیوان، دادگاه مرجوع الیه رسیدگی ماهوی نماید و امکان سازش در این دادگاه وجود دارد و از طرف دیگر اصل تسلط طرفین بر دادرسی نیز ایجاب می نماید، هر زمان که آن‌ها قصد سازش و پایان دادن دعوا را داشته باشند این امر محیّا باشد. در عین حال یکی از حقوقدانان نیز براساس وحدت ملاک ماده ٤٩٤ قانون آیین دادرسی مدنی (جدید) ، سازش در مرحله فرجامی را ممکن دانسته و معتقد است که با تقاضای طرفین ، دیوان عالی کشور پرونده را برای تنظیم صورت مجلس سازش به دادگاه صادر کننده ی رأی فرجام خواسته ارسال می کند .(شمس، همان،ص ٤٩١) .

به هر حال با توجه به عدم اشاره قانون جدید آیین دادرسی مدنی به بحث سازش در مرحله فرجام خواهی و نبود نصّی شبیه ماده ٦٢٤ ق.آ.د.م (قدیم) ؛ در حال حاضر ، امکان سازش در مرحله ی فرجام خواهی با ابهام روبرو شده که این امر موجب ایجاد اختلاف نظر است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تفحّص نگارنده نشان می دهد که این خلع قانونی در پیش نویس تنظیمی توسط کار گروه اداره کل تدوین لوایح و برنامه های قوّه قضاییه که تحت عنوان «لایحه اصلاح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹» تهیه شده، در حال جبران شدن است.

به موجب ماده ۱۲٦ این لایحه قرار است ماده ۱۷۸ مکرر به قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) الحاق گردد که مقرر می دارد :« هرگاه دعوا در مرحله فرجامی در حال رسیدگی باشد ، طرفین می توانند نتیجه سازش خود را به دادگاهی که از حکم آن فرجام خواهی شده است یا پس از نقض موضوع ، رسیدگی می‌کند، تقدیم کنند. در این صورت دادگاه مطابق ماده ۱۸٤ این قانون مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می نماید و در صورتی که موضوع در دیوان عالی کشور مطرح باشد، نتیجه ای از گزارش اصلاحی را به دیوان عالی کشور ارسال می نماید، دیوان عالی کشور پس از وصول گزارش اصلاحی قرار رد دادخواست فرجام خواهی را صادر می نماید. در هر صورت حکمی که پس از تاریخ سازش و پیش از وصول گزارش اصلاحی به دیوان عالی کشور ، صادر می شود، اثری نسبت به اصحاب دعوا نخواهد داشت .«

بنابراین مطابق مقررات کنونی نصّی که می توان براساس آن سازش را در مرحله فرجام خواهی امکان پذیر دانست؛ اطلاق ماده ۱۷۸ ق.آ.د.م و ملاک ماده ٤۹٤ این قانون است.

٤)بررسی سازش در مرحله واخواهی

چنانچه رسیدگی دادگاه منجر به صدور حکم محکومیت غیابی خوانده گردد، محکوم علیه غایب می تواند ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ واقعی نسبت به این حکم در دادگاه صادر کننده حکم غیابی اعتراض نماید که به آن واخواهی گفته می شود.

صدور حکم غیابی و به تبع آن واخواهی هم در مرحله بدوی و هم در مرحله تجدید نظر امکان پذیر است و به همین دلیل این شبهه را ایجاد می کند که آیا واخواهی یک مقطع دادرسی است یا مرحله دادرسی ؟ در فرانسه برخی از حقوقدانان واخواهی را یک مقطع از مرحله نخستین و ادامه آن می دانند ولی در حقوق ایران با توجه به اینکه ماده ۲۱۷ ق.آ.د.م به صراحت از آن به عنوان « مرحله واخواهی » نام برده باید واخواهی را مرحله ای از دادرسی دانست (شمس، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۵۵).

به نظر می رسد که سازش در مرحله واخواهی نیز امکان پذیر بوده و در صورت سازش طرفین در این مرحله، دادگاه می بایست ضمن صدور گزارش اصلاحی حکم غیابی صادره را نیز نقض نماید.

د) سازش در مرحله اجرا

حکم دادگاه پس از قطعی شدن با درخواست محکوم له وارد مرحله اجرا می شود .اجرای حکم در واقع، نتیجه و هدف نهایی دادرسی است و دادرسی بدون اجرا فایده ای ندارد.

سؤالی که باید به آن پاسخ داد این است که آیا در مرحله اجرای حکم طرفین می توانند سازش کنند؟ در پاسخ دو دیدگاه قابل طرح است:

دیدگاه اول : سازش در مرحله اجرا امکان پذیر نیست، چون مطابق ماده ۱۷۸ قانون آ.د.م سازش «در هر مرحله از دادرسی مدنی» امکان دارد و با صدور حکم قطعی، مرحله دادرسی به پایان می‌رسد. از طرف دیگر درخواست سازش

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بر اساس مواد ۱۸٦ به بعد ق.آ.د.م نسبت به «ادعا» امکان پذیر است و با صدور حکم ، ما با محکوم به روبرو هستیم .

دیدگاه دوم: سازش پس از صدور حکم قطعی و در مرحله اجرا امکان پذیر است و در این صورت سازش باید در دفتر خانه اسناد رسمی یا نزد مأمور اجرا و یا به ترتیب مقرر در مواد ۱۸٦ به بعد ق.آ.د.م به عمل آید (شمس ، ۱۳۹۱ ، ج ۳ ، ص ٤۹۱) .

به نظر می رسد که سازش در مرحله اجرای حکم نیز امکان پذیر باشد ، چرا که ماده ۱٦۰ قانون اجرای احکام مدنی به سازش در این مرحله تصریح نموده است . نحوه ی سازش در این مرحله می تواند به طرق مختلفی باشد : یک زمان ممکن است محکوم علیه تمام محکوم به را پرداخت کرده و یا با صحبت با محکوم له او را متقاعد کند تا نسبت به او اعلام رضایت کند که طرفین از این طریق به اختلافات پایان داده و سازش می کنند ؛ که این اعلام رضایت می تواند با تنظیم رضایت نامه رسمی در دفتر خانه اسناد رسمی و یا اعلام کتبی به دایره ی اجرا و تعطیل اجرای حکم باشد.

روش دیگر این است که طرفین در مرحله اجرا ترتیبی را برای اجرا توافق می کنند ؛ مثلاً محکوم علیه متعهد می‌شود که محکوم به ۵۰ میلیون تومانی را ، طی دو فقره چک ۲۵ میلیون تومانی به تاریخ ۹۳/۵/۱ و ۹۳/٦/۱ پرداخت نماید . این توافق نیز ممکن است نزد مأمور اجرا و یا در دفتر خانۀ اسناد رسمی باشد .

امّا سؤال قابل طرح در این فرض این است که اگر متعهد (محکوم علیه) وجه چک را پرداخت نکند (به تعهد عمل نکند) محکوم له چه اقدامی می تواند انجام دهد ؟

در پاسخ می توان با تفکیک دو فرض این چنین اظهارنظر نمود:

فرض اول : توافق انجام شده نزد مأمور اجرا باشد ؛ اگر محکوم له پس از توافق اعلام رضایت نموده باشد و تعطیل عملیات اجرایی را بخواهد، در صورت تخلف متعهد، با توجه به اینکه تعهد تبدیل شده است محکوم له می بایست بابت آن (تعهد جدید) مجدداً اقامه دعوا کند و ادامه عملیات اجرایی ممکن نیست . امّا اگر تأخیر عملیات اجرایی را درخواست نموده باشد در صورت تخلف می تواند عملیات اجرایی را پیگیری نماید .

فرض دوم: توافق در دفترخانه اسناد رسمی انجام شود ؛ در این صورت هم اگر محکوم له تأخیر عملیات اجرایی را خواسته باشد در صورت عدم انجام تعهد، می تواند مجدداً اقدامات اجرایی را پیگیری نماید. امّا در صورتی که تعطیل شدن عملیات اجرایی را به دایره‌ی اجرا اعلام نموده و اعلام رضایت کرده باشد، با تخلف متعهد، محکوم له می‌تواند اجرای مفاد سند تنظیمی را مطابق آیین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا، از اجرای ثبت بخواهد یا اینکه به علّت تبدیل تعهد، مجدداً اقامه دعوا نماید.

سومیّن شکل سازش در مرحله اجرا می تواند این گونه باشد که یکی از طرفین یا هر دو مطابق مواد ۱۸٦ به بعد ق.آ.د.م از دادگاه نخستین درخواست سازش و صدور گزارش اصلاحی را بنمایند. البتّه بعید نیست که چنین درخواستی با توجه به لفظ «ادعا» در ماده ۱۸٦ ق.آ.د.م مورد قبول دادگاه ها قرار نگیرد .

قانونگذار برای ایجاد تمایل طرفین اختلاف به مصالحه و سازش در مرحله اجرای حکم از ابزار تشویقی نیز استفاده نموده است ، به گونه ای که سازش در مرحله اجرای حکم را موجب نصف شدن حق الاجرا دانسته است. ماده ۱٦۰ ق.ا.ا.م مقرر می دارد :« پرداخت حق الاجرا پس از انقضای ده روز از تاریخ ابلاغ اجراییه به عهده محکوم علیه است

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ولی در صورتی که طرفین سازش کنند یا بین خود ترتیبی برای اجرای حکم بدهند نصف حق الاجرا دریافت خواهد شد « ...

بنابراین ، چنانچه سازش پیش از ابلاغ اجراییه یا پیش از انقضای مهلت ۱۰ روز انجام شود ، حق الاجرا تعلق نخواهد گرفت امّا چنانچه بعد از مهلت ۱۰ روزه سازش شود ، حق الاجرا نصف خواهد بود.

۵- سازش در سایر قوانین

علاوه بر موارد ذکر شده در بالا ، سازش در قوانین دیگری نیز مورد اشاره قرار گرفته است که در این قسمت به برخی از این قوانین اشاره می نماییم .

ماده ۲۸ ق.د.ت.ب (مصوب ۱۳۷٦/٦/۲٦) مقرر داشته: «چنانچه طرفین در جریان رسیدگی ، اختلافات خود را از طریق سازش حل کنند «داور» قرار سقوط دعوای داوری را صادر می کند و چنانچه یکی از طرفین تقاضا کندو طرف مقابل اعتراض نکند، موافقت نامه سازش را به صورت رأی داوری بر اساس شرایط مرضی الطرفین با رعایت ماده (۳۰) صادر می‌کند» همانگونه که مشاهده می شود این قانون ، بر خلاف سایر قوانین ، صدور قرار سقوط دعوا را نیز ضروری دانسته است .

در قانون کار (مصوب ۱۳٦۹/۱۰/۱۳) برای حل اختلافات فردی، که بین کارفرما و کارگر یا کارآموز در اجرای این قانون ایجاد می شود ، مراجعی برای حل اختلاف پیش بینی شده است که به این دعاوی و اختلافات رسیدگی می نماید .

مطابق این قانون اختلافات ایجاد شده ابتدا می بایست با تلاش شورای اسلامی کار ، انجمن صنفی کارگران و یا نماینده قانونی کارگران و کارفرمایان به طریق سازش ، حل و فصل گردد و صرفاً در صورت عدم موفقیت به صلح و سازش ، برای رسیدگی و صدور رأی به هیأت های تشخیص و حل اختلاف راهنمایی می شوند . ماده ۱۵۷ قانون کار در این خصوص مقرر داشته :« هرگونه اختلافات فردی بین کارفرما و کارگر یا کارآموز که ناشی از اجرای این قانون و سایر مقررات کار، قرارداد کارآموزی، موافقت نامه های کارگاهی یا پیمان های دسته جمعی کار باشد ، در مرحله اول از طریق سازش مستقیم بین کارفرما و کارگر یا کارآموز و یا نمایندگان آنها در شورای اسلامی کار و در صورتی که شورای اسلامی کار در واحدی نباشد ، از طریق انجمن صنفی کارگران و یا نماینده قانونی کارگران و کارفرما حل و فصل خواهد شد و در صورت عدم سازش ، از طریق هیأت های تشخیص و حل اختلاف به ترتیب آتی رسیدگی و حل و فصل خواهد شد.«

لازم به ذکر است که پس از طرح دعوا در هیأت تشخیص و حل اختلاف نیز امکان مصالحه و سازش وجود دارد .

در این خصوص ماده ۷۱ آیین نامه آیین دادرسی کار (مصوب ۱۳۹۱/۱۱/۷) مقرر می دارد :« سازش طرفین در هر مرحله از رسیدگی امکان پذیر است . این سازش نامه چنانچه در جلسه رسیدگی حاصل گردد ، مرجع رسیدگی کننده براساس سازش حاصله، رأی صادر می نماید ؛ چنانچه طرفین در خارج از جلسه رسیدگی و با تنظیم سند رسمی به سازش رسیده باشند، مرجع رسیدگی کننده براساس سازش نامه مذکور مبادرت به انشای رأی می نماید و چنانچه سازش غیر رسمی صورت پذیرفته باشد ، مرجع رسیدگی کننده با احراز صحت سازش نامه ، انشای رأی خواهد کرد » همچنین مطابق ماده ۷۲ این آیین نامه رعایت قواعد آمره در خصوص سازش الزامی است .

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

قانون دیگری که اشاره به بحث سازش دارد، ماده ۱۷ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث ، در صورت عدم توافق زیان دیده و شرکت بیمه در خصوص میزان خسارت وارد شده ، کمیسیون حل اختلاف تخصصی را برای تعیین میزان خسارت مالی پیش بینی نموده است. نحوه ی تشکیل این کمیسیون براساس آیین نامه ماده ۱۷ این قانون می باشد که در تاریخ ۸۷/٤/۱٦ به تصویب رئیس قوّه قضاییه رسیده است . در این آیین نامه نیز قانونگذار امکان سازش در کمیسیون را پیش بینی نموده است. ماده ۵ این آیین نامه مقرر می دارد :« کمیسیون در صورت حصول سازش، مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می نماید و در غیر موارد سازش چنانچه پرونده آماده اتخاذ تصمیم نهایی باشد ، اقدام به صدور رأی می‌کند. والّا نسبت به تکمیل پرونده اقدام خواهد نمود .»

نتیجه‌گیری

بهترین روشی که می توان به وسیله ی آن به اختلاف و دعوا پایان داد ، مصالحه و سازش است . بحث سازش در حقوق ایران از اهمیّت به سزایی برخوردار است ؛ به گونه ای که در تصویب قدیمی ترین قوانین از جمله : قانون اصول محاکمات حقوقی و قانون آیین دادرسی مدنی قدیم (۱۳۱۸) مورد توجه قرار گرفته است. قانون آیین دادرسی مدنی جدید (۱۳۷۹) ، قانون شوراهای حل اختلاف و قانون حمایت خانواده که در حال اجرا هستند نیز احکامی در خصوص سازش بیان نموده اند .

-سازش دارای شناسنامه ای به نام عقد صلح می باشد که در قانون مدنی مورد حکم قرار گرفته است برای ایجاد سازش بین طرفین اختلاف ، قواعد عمومی که در انعقاد سایر قراردادها رعایت می گردد، ضروری است .

- اشخاص فقط نسبت به اموری که حق دخل و تصرف دارند، می‌توانند سازش نمایند و سازش در اموری که با نظم عمومی و اخلاق حسنه در تعارض باشد ، ممنوع و بی اثر است .

- درخواست سازش و انجام مذاکرات اصلاحی در دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی مستلزم رعایت تشریفات اصل ۱۳۹ قانون اساسی نیست و صرفاً انعقاد توافق و ایجاد تعهد است که صلح دعوا محسوب می شود و مستلزم رعایت این تشریفات است.

در موردی که طرف اختلاف شخص خارجی باشد یا در موارد مهم داخلی می بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، امّا در خصوص سازش نسبت به اموال شرکت های دولتی چنین محدودیتی وجود ندارد.

-تاجر ورشکسته می تواند نسبت به امور غیر مالی با طرف خود سازش نماید ، ولی در امور مالی می بایست تشریفات مواد ٤۵۸ و٤۵۹ قانون تجارت را مدّ نظر قرار دهد.

-سازش در امور حسبی صرفاً در خصوص تقسیم ماترک قابل تصوّر است .

- در امور کیفری، نسبت به جنبه ی خصوصی جرایم می توان سازش نمود، ولی در مورد جنبه ی عمومی سازش امکان پذیر نیست و فقط بزه دیده می تواند با گذشت خود موجبات تخفیف یا عدم مجازات بزهکار را فراهم کند .

- در جریان رسیدگی اصلاحی، شخص ثالث می‌تواند وارد شده و با طرفین سازش کند. یا اینکه طرفین شخص ثالثی را به رسیدگی اصلاحی دعوت کنند، همچنین ممکن است شخصی غیر از طرفین اختلاف، تعهداتی را بر عهده گرفته یا از تعهدات یک طرف ضمانت نماید .

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

- قضات و وکلا نقش مهمی را در ایجاد مصالحه بین طرفین اختلاف دارند و به همین دلیل اختیار تلاش در جهت ایجاد سازش در قوانین به آنها اعطا گردیده است.

- اهمیت بنیان خانواده لزوم جلوگیری از انحلال آن موجب شده که قانون حمایت خانواده از روش‌های مختلفی برای ایجاد سازش بین زوجین استفاده نماید .از جمله این روش‌ها که می‌توان از آن نام برد؛ تأخیر در جلسه‌ی دادرسی تا دو مرتبه، تأسیس مراکز مشاوره خانواده، ارجاع به داور و ... می‌باشد .

- اشخاص می‌توانند برای حل اختلافات خود از طریق سازش ، در هر مرحله از دادرسی و در هر مقطعی به دادگاه ، دفترخانه اسناد رسمی، شورای حل اختلاف و در صورتی که دعوا در نزد داور در حال رسیدگی باشد، از داور تقاضای مصالحه و سازش نمایند. حتّی سازش نامه عادی که در خارج از مراجع فوق تنظیم شده باشد در صورت اقرار در دادگاه دارای اثر سازش انجام شده در دادگاه می شود .

- قانونگذار برای ایجاد رغبت در ایجاد سازش تا حدّی از ابزارهای تشویقی استفاده نموده است؛ برای نمونه، برای رسیدگی اصلاحی دادگاه، درخواست را کافی دانسته است؛ هزینه رسیدگی را فارغ از موضوع مورد اختلاف، معادل هزینه دعاوی غیرمالی دانسته؛ در صورت سازش در مرحله‌ی اجرای حکم ، نصف هزینه اجرا را قابل وصول دانسته ؛ در صورت ایجاد سازش وکیل را مستحق حق الوکاله دانسته است و . ...

- در صورت سازش طرفین در دادگاه، اقدام به صدور گزارش اصلاحی می‌گردد که دارای ماهیتی قراردادی است ولی همانند حکم دادگاه به موقع اجرا گذاشته می‌شود، غیرقابل تجدیدنظر، فرجام، واخواهی و اعتراض ثالث است. مشمول ویژگی تصمیمات قضایی مانند: اعتبار امر مختومه، قاعده ی فراغ دادرس و ... نمی‌گردد. در صورت جمع بودن شرایط، گزارش اصلاحی همچون سایر قراردادها قابل ابطال و فسخ می‌باشد و چنانچه شخص ثالثی نیز حقوق خود را در معرض تضییع ببیند، می‌تواند با اقامه دعوا ابطال آن را بخواهد .

-با توجه به اطلاق ماده ۱۷۸ ق.آ.د.م که سازش در هر مرحله از دادرسی مدنی را امکان پذیر می‌داند و وحدت ملاک ماده ٤٩٤ ق.آ.د.م سازش در مرحله فرجام نیز امکان دارد.

- گستره ی تنظیم گزارش اصلاحی، فقط محدود به دعوای مطروحه نیست و طرفین می توانند نسبت به دعاوی و امور دیگری که موضوع دعوای طرح شده نبوده نیز ، سازش نمایند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که :

۱- با توجه به وجود ابهام در خصوص دادگاه صالح از نظر صلاحیّت محلّی برای رسیدگی به درخواست سازش در ماده ١٨٦ قانون آیین دادرسی مدنی، مناسب است که مقنن نسبت به آن تعیین تکلیف نموده و همه ی دادگاه‌های کشور را بدون هیچگونه محدودیتی برای رسیدگی به درخواست سازش دارای صلاحیّت تلقی نماید .

۲- در صورتی که دعوا منتهی به سازش و صدور گزارش اصلاحی گردد، چناچه متعهد از اجرای مفاد آن استنکاف نماید، ضمانت اجرایی در این خصوص پیش بینی نشده و ضروری است که در این موارد نیز همانند احکام دادگاهها بتوان با حبس کردن متعهد، او را ملزم به اجرای مفاد گزارش اصلاحی نمود .

۳- با تأسیس مراکز مشاوره در قانون جدید حمایت خانواده و صلاحیت این مراکز برای صلح و سازش در دعاوی خانوادگی و همچنین نظر به اینکه پیش از تصویب این قانون، شورای حل اختلاف صلاحیت صلح و سازش در دعاوی را داشته است، حال با این ابهام روبرو می شویم که آیا هر دو مرجع صلاحیت سازش در دعاوی خانوادگی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

را دارند یا خیر؟ که این امر نیازمند تصریح قانونگذار بوده و بهتر است که جهت جلوگیری از اطاله دادرسی صرفاً یکی از این دو مرجع (مراکز مشاوره خانواده) صلاحیت سازش در دعاوی خانوادگی را بر عهده داشته باشد .

ملاحظات اخلاقی: در ابتدا تا انتهای این تحقیق صداقت و امانتداری رعایت گردیده است .

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد تعارض منافع بوده است .

تشکر و قدردانی: از کلیه ی کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر می نماییم .

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی می باشد.

منابع

اسکینی، ربیعا ،حقوق تجارت ،ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته ،انتشارات سمت ،جلد چهارم، چاپ دوازدهم ،تهران، ۱۳۸۸ .

افتخار جهرمی و السان، دکتر گودرز و دکتر مصطفی، آیین دادرسی مدنی ، انتشارات دور اندیشان ، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳ .

امامی، سید حسن، حقوق مدنی، انتشارات کتابفروشی اسلامیه،جلد دوم ،چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۲.

بازگیر، یدالله، تشریفات دادرسی مدنی در آئینه آراء دیوانعالی کشور (تأمین خواسته ،ورود و جلب ثالث و ...)، انتشارات فردوسی ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۸۱ .

باقر الموسوی، محسن، القضا و النظام القضایی عند الامام علی (ع) ، ترجمه سید رضا افتخاری و رضا عباسپور، انتشارات مرندیز، تهران، ۱۳۹۰ .

بداغی، فاطمه، آیین دادرسی در دادگاه‌های خانواده ، انتشارات میزان ، چاپ اوّل ، تهران ،۱۳۸۸.

تقی زاده و تقی زاده، دکتر ابراهیم و رضا، گزارش اصلاحی در حقوق ایران، انتشارات جاودانه، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.

جعفری لنگرودی، محمّد جعفر، دانشنامه حقوقی ،انتشارات امیر کبیر ،جلد پنجم ،چاپ اول ،تهران،۱۳۵۸ .

جعفری لنگرودی، محمّد جعفر، دایرۀ المعارف علوم اسلامی (قضائی) ،انتشارات گنج دانش ،جلد دوم ، ۱۳۶۳.

جعفری لنگرودی ، محمّد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش ،چاپ بیستم ،تهران ،۱۳۸۷

جعفری لنگرودی ، محمّد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش ،جلد سوم ،چاپ پنجم ،تهران ، ۱۳۹۱.

جعفری لنگرودی ، محمّد جعفر ،مبسوط در ترمینولوژی حقوق ،انتشارات گنج دانش ،جلد پنجم ،چاپ پنجم ،تهران ، ۱۳۹۱ .

جعفری لنگرودی، محمّد جعفر ،دانشنامه حقوقی ،انتشارات امیر کبیر ،جلد چهارم ،چاپ دوم ،تهران، بی تا.

حرالعاملی ،شیخ محمد بن الحسن ،وسایل الشیعه ،انتشارات مکتب الاسلامیه ،جلد دوازدهم ،چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۷ ه.ق.

حرالعاملی ،شیخ محمد بن الحسن ،وسایل الشیعه ،انتشارات مکتب الاسلامیه ،جلد هجدهم ،چاپ پنجم ، تهران ، ۱٤۰۱ ه.ق .

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حسینی ، سید محمد رضا ، قانون آیین دادرسی مدنی در رویه قضایی ، انتشارات مجد ، چاپ سوم ، تهران ، ۱۳۸۷ .

حیاتی ، علی عباس ، آیین دادرسی مدنی ، انتشارات میزان ، جلد دوم ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۹۰.

زراعت، عباس، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی ایران ، انتشارات خط سوم، چاپ سوم ، تهران ، ۱۳۸۵ .

سلجوقی و امینی، محمود و یدالله ، نظر های مشورتی اداره حقوقی دادگستری (امور مدنی) ، انتشارات جنگل ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۸۹ .

شمس، عبدالله، آیین دادسی مدنی دوره پیشرفته ،انتشارات دراک ،جلد نخست ،چاپ بیست و ششم ،تهران ،۱۳۹۰.

شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، انتشارات دراک، جلد دوم، چاپ سی ام ، تهران، ۱۳۹۲ .

شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته ،انتشارات دراک ،جلد سوم ،چاپ بیست و دوّم، ،تهران،۱۳۹۱ .

شیروی، دکتر عبدالحسین، داوری تجاری بین المللی، انتشارات سمت، چاپ اول ، تهران، ۱۳۹۱ .

صدرزاده افشار، سید محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه های عمومی و انقلاب ، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ نهم ، تهران ، ۱۳۸۵ .

صفایی و قاسم زاده، سید حسین و سید مرتضی ،اشخاص و محجورین ،انتشارات سمت ،چاپ پانزدهم ،تهران ،۱۳۸۸ .

قربانیان، حسین ،آیین رسیدگی به درخواست تقسیم ترکه و مطالبه سهم الارث، انتشارات شهر دانش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۰ .

قهرمانی، نصرالله، مباحث دشوار آیین دادرسی مدنی، انتشارات خرسندی، جلد دوم ، چاپ اوّل، تهران ،۱۳۹۰ .

کاتوزیان ، ناصر ،حقوق مدنی ،مشارکت ها و صلح ،انتشارات گنج دانش ،چاپ دوم ،تهران ،۱۳٦۸ .

کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، انتشارات میزان، چاپ بیست و ششم، تهران، ۱۳۸۷ .

کاتوزیان ، ناصر ،قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی ،انتشارات میزان، چاپ بیست و دوم ، تهران، ۱۳۸۸ .

کاتوزیان، ناصر ، اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، نشر دادگستر، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۹ .

متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، انتشارات مجد، جلد دوم ، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸ مسیحی ، مهرزاد ، قانون آیین دادرسی مدنی در آیینه آراء قضایی و نظرات مشورتی ، انتشارات خرسندی ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۸۷.

هندی، اصغر، مقاله « بررسی شروط اصل ۱۳۹ قانون اساسی به اموال شرکتهای دولتی »، مجله حقوقی دادگستری، شماره ٦۱، زمستان۱۳۸٦.

کریمی، عباس، دانشگاه تهران ،دانشکده حقوق و علوم سیاسی، جزوه آیین دادرسی مدنی(۲)، بی تا.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]